

نگاهی به فرهنگ سوگواری

مشخصات کتاب

نگاهی به فرهنگ سوگواری

محمد نوری

چکیده

این مقاله به عزاداری به مثابه یک فرهنگ نگاه می‌کند که ابعاد مختلفی دارد. البته چون در درون فرهنگ عام‌تر شیعه قرار دارد، خرده فرهنگ محسوب می‌شود و از نظر دامنه علمی و پوشش عرصه اجتماعی گسترش زیادی دارد؛ تقریباً همه جنبه‌های زندگی شیعیان را تحت تأثیر قرار داده است. سه بُعد فرهنگی سوگواری مهم شناخته شده و به توضیح و تبیین آنها پرداخته است. این ابعاد عبارت‌اند از: بعد علمی، بعد هنری و بُعد اجتماعی. در بُعد علمی، آثار اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه که در طول تاریخ درباره مصائب اهل بیت علیهم السلام بویژه حادثه طف نوشته شده، بررسی شده است؛ در بُعد هنری، احساسات شیعیان و تبلور آن در مراسم عزاداری و زیبایی‌های تعزیه گزارش شده؛ اما در بُعد اجتماعی اولاً تأثیر قیام امام حسین علیه السلام بر جامعه شیعه و ثانیاً رسم و رسوم شکل گرفته در سیر تاریخی نشان داده شده است. این ابعاد، زیرساخت‌های اندیشه‌ای حاکم بر تحلیل‌های عاشورایی را شکل داده و به پژوهشگران در ارزیابی و نقّادی‌ها یاری می‌رساند. کلیدواژه‌ها: فرهنگ سوگواری، جامعه‌شناسی عزاداری، هیئت عزاداری، تأثیر عزاداری، نقش تاریخی عزاداری، آداب و رسوم سوگواری، مراسم سوگواری، مآخذ علمی سوگواری. عزاداری، یکی از جنبه‌های فرهنگ اسلامی - شیعی را تشکیل می‌دهد و از مؤلفه‌های مهم این فرهنگ است. در زندگی شیعیان به لحاظ صرف وقت و مصرف منابع اقتصادی و انرژی انسانی، حجم فراوانی به سوگواری

اختصاص یافته است. تعطیلات سالانه، برگزاری مراسم اطعام، اهدای نذورات و هدایا و شرکت در مراسم، جای ویژه‌ای در سبد خانوار مسلمان شیعه مذهب دارد. فرهنگ سوگواری مرادف و همسان با فرهنگ حسینی یا فرهنگ عاشورا نیست و قلمرو آن وسیع‌تر و شامل مصائب همه چهارده معصوم علیهم السلام و خاندان رنجکش عصمت و طهارت می‌شود. زیرا معصومان علیهم السلام شهید شدند و فرزندان و نوادگان آنها هم. [۱]. مهم آن است که عزاداری تبدیل به یک فرهنگ شده که در درون فرهنگ شیعی جای گرفته است. از این نظر، خرده فرهنگ محسوب می‌شود و تمامی جوانب و پیامدها و آثار دیگر خرده فرهنگ‌ها را دارد. و شامل لایه‌های مکتوب، شفاهی، هنری و جدیداً الکترونیک است. فرایند فرهنگی شدن سوگواری در بین ایرانیان به سرعت طی شد؛ زیرا ایرانیان با مقوله سوژه‌ها و تراژدی‌هایی مثل مرگ سیاوس [۲] آشنا بودند. وقتی به واژه «عزا» در کتاب‌های لغت‌شناسی و واژه پژوهی فارسی مثل لغت نامه دهخدا مراجعه کنیم، خواهیم یافت که واژگان متخذ از «عزا» پر دامنه است. پر دامنگی این واژگان حکایت از انس و قدمت عزاداری در فرهنگ ایرانی است. برای نمونه در لغت نامه دهخدا، واژگان مرتبط به عزا را در ده مدخل بررسی و تحلیل کرده است. [۳]. زندگی روزانه شیعیان کاملاً با سوگواری، ممزوج شده است و دانشمندان برای تحلیل این وضعیت از سده‌های اول اسلامی به بعد، کتاب‌ها و رساله‌های فراوانی در این زمینه نوشته‌اند. از این رو، کارنامه دانشمندان و نویسندگان مسلمان در حوزه سوگواری حجیم است. علت توجه بسیار شیعیان به سوگواری این است که سوگواری در صدد تعمیم امامت شیعی و اصل تولی و تبری بوده است. به عبارت دیگر، سوگواری همواره روشی برای جذب دل‌ها به سوی آموزه‌های شیعه، بویژه با ایجاد فضای مظلومیت، شیوه‌ای برای توسعه توجیه و آموزش شیعیان و ارتقای قدرت عقلانی و ازدیاد احساس معنوی آنها بوده است. ثانیاً در حوزه فرهنگ شفاهی هم، نقش فرهنگی عزاداری قابل توجه است؛ زیرا برگزاری هزاران مجلس سوگواری همراه با وعظ و خطابه، به عنوان یک نظام و یک دستگاه

فراگیر آموزشی عمل کرده است. غیر از کارکردهای فردی و فرهنگی عزاداری، بُعد جامعه شناختی آن نیز مهم است. عزاداری به عنوان یک عامل جامعه ساز در بین شیعیان ایفای نقش کرده است؛ یعنی جامعه شیعی را با ساختار خاص خودش - که مثلاً مرجعیت در رأس آن قرار گرفته و دارای روابط اجتماعی خاص است - شکل و سامان داده است. اگر مجالس سوگواری نبود، معلوم نبود شیعیان بتوانند به سان یک جامعه پر قدرت و پر نفوذ در کوران حوادث بنیان افکن و در نظام‌های جور و ستم دوام بیاورند و حیات خود را ادامه بدهند. در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی هم، سوگواری کارکرد داشته است؛ زیرا شیعیان را به سیاست و مسائل جاری آگاه نموده و مهم‌تر این که به آنان الگوی رفتاری خاص تلقین کرده است. مثلاً این تلقی فراگیر است که در گذشته، امام علی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام با نظام جبار، فلان گونه رفتار می‌کردند و در این دوره هم، باید همان طور عمل کرد. بالاخره روابط و مناسبات شیعیان با نظام سیاسی، در هر دوره تا حد فراوانی، تابع القائات سوگواری بوده است. وقتی از منظر انسان شناختی، به عزاداری نظر می‌افکنیم، می‌بینیم کمتر دین و آیینی مثل اسلام و پس از آن امامیه به انسان احترام می‌گذارد. متون دینی اسلام، مثل قرآن آدمی را تا خلیفه خداوند ارتقا داده است. پس از مرگ آدمی نیز، او را محترم داشته و جهت احترام به او، عزاداری و سوگواری را برای او توصیه کرده است. بویژه اگر انسان متوفی، شخصیتی استثنایی و فرهیخته باشد، احترام مضاعفی را مطالبه می‌کند. در بین فرقه‌های اسلامی، وهابیان، پس از فوت افراد، هر چند دارای منزلت عالی باشد، مراسم بسیار ساده‌ای برگزار می‌کنند؛ ولی بر عکس، امامیه با بزرگداشت او به روش‌های گوناگون، مثل مراسم وفات، هفته، چهلم و سال، سنگ قبر، شخص در گذشته را محترم می‌شمارند. بنابراین عزاداری به مثابه یک فرهنگ دارای سه بُعد اساسی است. همه فرهنگ‌ها کما بیش این ابعاد را دارند. فرهنگی که دارای ابعاد متوازن، با ترکیب منطقی باشد، کارآمدتر است. این ابعاد عبارت‌اند از: پژوهش و علمیت، هنر و زیباشناسی و جامعه‌شناختی. این مقاله در صدد بیان و توضیح سطحی و

اجمالی این ابعاد است. اگر بخواهیم به عمق این ابعاد برویم، باید ده‌ها عنوان کتاب تألیف کنیم.

فرهنگ سوگواری

فرهنگ سوگواری، در آینه آثار علمی فراوانی که عرضه شده، به خوبی هویدا است. این آثار مصائب و رنج و غم اهل بیت علیهم السلام و بویژه حزن آنان در حادثه طف و قیام حسینی را به خوبی بیان کرده‌اند. به دلیل این که عزاداری که در قرون اولیه اسلام، با مراسم ساده‌ای عملی می‌شد؛ ولی امروزه بسیار پیچیده شده و ابعاد گسترده و متنوعی در فرهنگ دینی و ملی ما پیدا کرده است. از این رو، مقالات و رساله‌های فراوانی درباره خود سوگواری نوشته و منتشر شده است. بنابراین در هر دو زمینه یکی مصائب اهل بیت علیهم السلام و دوم موضوعات عزاداری، هر ساله آمار انواع آثار، مثل بررسی‌های تحلیلی، مقالات انتقادی و احیای متون رو به رشد بوده است. البته زمینه اول پیش درآمد و مقدمه موضوع دوم است. البته تاکنون روی خود منابع عزاداری، پژوهش علمی نشده است و جای انواع تحقیقات در این زمینه خالی است. ضرورت دارد که آمار این منابع با شاخص‌های مختلف گزارش شود و تحلیل این آمارها همراه با جمع بندی علمی، عرضه شود. از سوی دیگر، بررسی محتوایی و تاریخی آنها و نیز بررسی از منظر جامعه شناختی این منابع، مورد نیاز است. به هر حال، لازم است با گزارش منابع مکتوب عزاداری و طبقه بندی آنها، کارنامه مکتوب عزاداری تدوین شود. یک تحقیق ضروری این است که آمار منابع مکتوب درباره عزاداری بر اساس شاخص‌هایی در قالب نمودارهای متداول در اختیار پژوهشگران، قرار داده شود تا با انتشار آنها، راه برای تحقیقات تحلیلی و حتی بنیادی باز شود. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مکان و شهر چاپ یا تألیف؛ زمان تألیف یا چاپ؛ جغرافیا و ملیت نویسنده یا مصحح؛ دست نوشته و چاپی بودن اثر؛ زبان؛ ترجمه؛ تصحیح و احیا؛ اقتباس و گزیده. به هر حال، پیش درآمد اصلاح فرهنگ سوگواری،

همین آمارها است؛ زیرا نشان می‌دهد در چه عرصه‌هایی کاستی‌ها و خلأ، و در چه زمینه‌هایی کثرت و انبوهی هست و چشمان پژوهشگران را نسبت به ابعاد سوگواری، باز می‌نماید. کارنامه علمی سوگواری دو لایه مکتوب و الکترونیک دارد. لایه مکتوب به دلیل قدمت و گستردگی بیشتر مورد توجه است. اما آثار الکترونیک هم مهم و به عنوان یک سوژه قابل بررسی‌اند. این که کدام لایه و چه موضوعی مقبولیت و روایی بیشتر دارد، قابل بررسی است و رعایت آن به کارآمد شدن این فرهنگ منجر می‌شود. ۱. نویسندگان منابع علمی و مکتوب سوگواری، معمولاً به سوژه‌های زیر پرداخته و کتاب، مقاله یا پایان نامه‌هایی نوشته‌اند: - روش عزاداری مثل نوحه‌خوانی و سینه‌زنی؛ - زمان‌ها و موسم‌های عزاداری مثل دهه محرم و شام غریبان؛ - انواع سوگواری یا روضه‌خوانی یا تشکیل مجالس روضه و تعزیه خوانی؛ - علائم و نمادهای عزاداری مثل بیرق و روشنایی و لباس؛ - مکان‌های اجرای عزاداری مثل حسینیه؛ - عزاداران مثل جمعیت‌ها و دسته‌ها؛ - مراسمی مثل جوش ریختن، نخل گردانی، دسته‌های عزاداری، سینه‌زنی؛ - متعلق عزاداری (شخصی که برای آن عزاداری می‌شود) مثل امام حسین و امام علی علیهما السلام. تمامی کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه‌هایی که در حوزه عزاداری نوشته شد، ذیل یکی از محورهای فوق قرار می‌گیرد. آثار علمی سوگواری، به عنوان بخش مکتوب فرهنگ سوگواری، نیازمند دسته بندی و طبقه بندی است؛ زیرا بدون طبقه بندی، دستیابی به آنها مشکل است. این طبقه بندی می‌تواند به محتوای آنها هم تعمیم داده شود؛ یعنی با نمایه سازی متن این آثار، راهنمایی برای مطالب آنها فراهم ساخت. ۲. محتوای منابع مکتوب یکسان نیست و از نگاه متن‌شناسی می‌توان گفت آنها به دسته‌های زیر قابل تقسیم‌اند: - سوگ نامه یا آثاری که به خود عزاداری می‌پردازند که آنها را آثار ویژه سوگواری یا آثار مستقل می‌نامند. - مقتل‌ها یا مصیبت نامه‌ها، کتاب‌هایی که از قدیم تاکنون درباره چگونگی شهادت یا فوت یکی از بزرگان دین، تألیف شده که اصطلاحاً به آن مقتل گفته‌اند. این آثار معمولاً حوادث منجر به قتل را توضیح می‌دهند. به دلیل این که این

آثار، محور عزاداری است و در مراسم عزاداری، این متون از حفظ یا از روی متن، قرائت می‌شده است. اگر برای فرهنگ عزاداری، سه لایه مکتوب، شفاهی و نمایشی در نظر بگیریم. مقتل‌ها بخش مکتوب را تشکیل می‌دهند. - متون ادبی مانند مرثیه‌ها و قصیده‌ها و نوحه‌ها. مقتل‌ها با روش نثر به حوادث منجر به قتل و شهادت تدوین شده‌اند؛ ولی کسانی با استفاده از صنعت شعر به بیان مصائب بزرگان دین پرداخته‌اند. این گونه آثار به نام مراثی یا نوحه‌ها، بخش عظیمی از فرهنگ ادبی شیعه را تشکیل می‌دهند. - تعزیه و آثار نمایشی که بر اساس تجربه هنری تألیف شده‌اند. - مجموعه سخنرانی‌ها که اصطلاحاً «امالی» و «مجالس» نامیده می‌شود و می‌توان آنها را مجلس نامه‌های عزاداری هم نامید. - بررسی‌های تحلیلی، تاریخی و جامعه‌شناختی. - نقّادی متون و مراسم عزاداری بویژه روضه‌ها؛ در دوران متأخر، کتاب لؤلؤ و مرجان جایگاه ویژه‌ای در نقّادی سوگواری دارد. - دیدگاه‌های جدید، از جمله نظرات خاورشناسان. هر کدام از محورهای فوق، زیر شاخه‌های فراوانی را در بر دارد؛ بنابر این فرهنگ سوگواری، ده‌ها نمایه دارد که هر کدام شامل سوژه‌هایی برای پژوهش است. ۳. از یک نظر، آثار علمی عزاداری که لایه مکتوب فرهنگ سوگواری را تشکیل می‌دهد، خود دو جنبه مهم دارد؛ یک دسته آنها احساسی و برای افزایش احساسات تألیف شده است. دسته دوم کتاب‌های تحلیلی و عقلانی است و برای پرورش عاقله و قدرت تفکر تدوین شده‌اند. اگر بُعد عاطفی و احساسی در یک فرهنگ، جایگزین ساحت عقلانی و اندیشه‌ای گردد، مشکلات فراوانی در پی خواهد داشت. زیر عنان جامعه به دست قوه دیگری غیر از عاقله سپرده می‌شود. درست برعکس باید جنبه فکری و عقلانی آثار حسینی زیر بنا و زیر ساخت دیگر آثار باشد. بُعد عاطفی این حادثه که به سرعت جای خود را در جامعه شیعه باز کرد، گاه چیره و مسلط بر کل جامعه می‌شود. اما باید توجه داشت که حادثه عاشورا چند وجهی و همچون منشور، ابعاد مختلف دارد. درست مانند قرآن مجید که بطون مختلف دارد و نباید با تکیه بر بُعد عاطفی آن، در صدد حذف یا کم رنگ کردن دیگر ابعاد از جمله

بُعد اجتماعی - سیاسی آن بود. عاطفی پردازان اعم از نویسندگان یا هنرمندان یا مداحانی که به جنبه احساسی حادثه طف می پردازند، فقط حضرت و خانواده آن حضرت را در نظر می گیرند. از طرفی اختصاصی کردن حرکت امام حسین علیه السلام به خود آن حضرت و عدم تعمیم آن نیز، بار سیاسی حادثه کربلا را کم کرده و برداشت معنوی آن می افزاید. مردم عزادار بیشتر با بُعد عاطفی و احساسی عاشورا و کربلا سر و کار دارند. منابع عزاداری هم قاعدتاً بیشتر عاطفی اند؛ ولی برخی منابع تحلیلی و استدلالی هم تألیف شده است. درباره امام حسین علیه السلام از دو منظر و با دو هدف نوشته اند؛ نوشته های احساسی که به منظور تأمین عزاداری مردم و زنده نگاه داشتن شور حسینی در دل ها، انجام یافته و دوم نوشته های تحلیلی که برای آگاهی بخشی و کشف حقایق تألیف شده است. مثلاً شهید جاوید یک اثر تحلیلی است. گاه برخی کتاب ها دو بُعدی است؛ مثل: حماسه حسینی از مرتضی مطهری که هم برای بسط آگاهی و هم برای روضه خوانی تألیف شده است. در طول تاریخ، برداشت ها و قرائت های مختلفی از قیام امام حسین علیه السلام عرضه شده است و هر کس تلاش کرده تا قرائتی بر تأیید دیدگاه خود عرضه کند. این وضعیت نسبت به مصائب دیگر ائمه علیهم السلام نیز هست؛ ولی کمترین نکته مهم این است که هنوز سیر تحول این برداشت ها و پراکندگی آن، نسبت به متغیرهای مختلف تحلیل نشده است. ۴. حجم منابع علمی درباره عزاداری، آن قدر فراوان شده که پژوهشگران، تألیف کتاب شناسی را ضروری دیده اند. تاکنون چند عنوان کتاب شناسی مستقل و متضمن درباره عاشورا و امام حسین علیه السلام تألیف و عرضه شده است و در لا به لای این کتاب شناسی ها، گاه آثار عزاداری هم معرفی شده است. کتاب شناسی ها و مقاله شناسی های مشهور عبارت اند از: - کتاب شناسی اختصاصی امام حسین علیه السلام، از حشمت الله صفر علی پور؛ مقاله شناسی امام حسین علیه السلام، از خانه پژوهش قم؛ کتاب شناسی عاشورا، از محمد حیدری قاسمی، کتاب شناسی امام حسین علیه السلام، از نجفقلی حبیبی؛ کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، اثر محمد اسفندیاری. نیز در

کتاب‌شناسی‌های دیگر درباره معصومان علیهم السلام مثل کتاب‌شناسی اهل بیت علیهم السلام تألیف محمد انصاری، برخی آثار ذکر مصائب آنها هم آمده است. عرضه کتاب‌شناسی در هر موضوع نشانگر انبوهی و کثرت تألیفات در آن زمینه است؛ و فراوان بودن عناوین کتاب‌شناسی‌ها نشانگر زیادی فوق‌العاده تألیفات و آثار است. سوگواری در فرهنگ شیعی از این قبیل است و چندین کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی مستقل در این زمینه وجود دارد. غیر از مآخذشناسی‌های غیر مستقل که یک فصل یا چند بخش از یک کتاب را تشکیل می‌دهد. اما تاکنون کتاب‌شناسی مستقل درباره فرهنگ سوگواری و خود عزاداری عرضه نشده است. به هر حال، پژوهش و تألیف و نشر در فرهنگ سوگواری همواره فعال بوده است؛ اما خود اینها به عنوان یک سوژه کمتر مورد بررسی و تحلیل بوده‌اند.

بعد اجتماعی فرهنگ سوگواری

بعد اجتماعی فرهنگ سوگواری گویای تأثیرات این فرهنگ در لایه‌های مختلف جامعه شیعی در تاریخ پانزده سده‌ای تشیع [۴] است؛ غیر از تأثیر آداب و رسوم سوگواری مجالس عزاداری، جمعیت‌های عزادار در جامعه‌شناسی این فرهنگ بررسی می‌شود. همه جامعه‌ها و فرهنگ‌ها، جشن‌هایی برای شادی و آیین‌هایی برای سوگواری دارند. نویسندگان و پژوهشگران ملل، گاه از این نگاه به بررسی این مراسم پرداخته‌اند. جامعه‌شناختی سوگواری در چرخه حوادث و تحولات تاریخی پدید آمده است. بنابراین تاریخ عزاداری آینه تمام‌نمای جامعه‌شناختی این فرهنگ است. پژوهشگران اندکی به این بُعد پرداخته‌اند؛ از این رو، منابع مستقل درباره تاریخ سوگواری بسیار کم‌اند؛ البته لا به لای برخی منابع از نگاه تاریخی به عزاداری پرداخته‌اند. خوشبختانه در منابع کهن تاریخی، گزارش‌هایی هست که مایه‌های سودمندی برای پژوهشگران دارد. اسناد و مدارک، گویای این است که آل بویه اولین کسانی بودند که

به عزاداری به عنوان یک سنت عمومی مشروعیت بخشیدند. فقط عبارات یک منبع تاریخی را به عنوان نمونه نقل می‌کنم: فی سنه اثنتین و خمسین و ثلاثمائه، أمر معزالدوله الناس أن یغلقوا دكا كینهم و یبطلوا الأسواق و البیع و الشراء و أن یظهروا النیاحه و یلبسوا قبا باً عملوا بالمسبوح و أن یخرج النساء منشرات الشعور، مسودات الوجوه قد شققن ثیابهن. یدرن فی البلد بالنوائح و یلظمن و جوههن علی الحسین بن علی رضی الله عنهما. ففعل الناس ذلك و لم یکن للسنة قدرة علی المنع منه لكثرة الشیعه و لان السلطان معهم؛ [۵] در سال ۳۵۲ق، معزالدوله به مردم دستور می‌دهد دکان‌ها را بسته و بازار و کسب و کار را تعطیل کنند. و برای حسین بن علی علیه السلام به نوحه‌خوانی و پوشیدن لباس مخصوص عزا و آذین سیاه بستن پردازند. نیز زنان با موهای ژولیده و به هم ریخته و سیاه کردن صورت و دریدن لباس‌های خود، در دسته‌های عزاداری شرکت می‌کردند. به هر حال، شهر یک پارچه نوحه و عزا و به سر و صورت کوبیدن بود. مردم این کارها را انجام می‌دادند، در حالی که اهل سنت قدرت بر منع آنان نداشتند؛ زیرا شیعیان فراوان بودند و سلطان هم با آنها بود. معزالدوله با وجود در پیش گرفتن آشتی بین فرقه‌های مسلمان بویژه شیعه و اهل سنت، همواره بر آداب و رسوم شیعی اصرار داشت و به ترویج مراسم و آداب متعارف شیعیان اقدام می‌ورزید. همو با زمینه چینی‌ها و بسترسازی‌هایی که انجام داد، برای نخستین بار سوگواری عمومی را در روز دهم محرم سال ۳۵۲ق / ۹۶۳م برپا کرد. برگزاری این مراسم به دستور پادشاه و با استقبال همه شیعیان، حادثه‌ای پر سر و صدا بوده است. زیرا اغلب کتاب‌های تاریخی به نقل آن پرداخته‌اند؛ و از میان صدها رخداد مهم تاریخی، این حادثه را گزارش داده‌اند. یک نکته مهم این است که پیش از امر سلطانی معزالدوله، شیعیان در سطح محدود، در خانه‌ها، و به صورت خصوصی سوگواری برپا می‌کردند. هر چند همراه با تقیه و گاه کاملاً مخفی بود. اما فرمان معزالدوله این وضعیت را شکست و مراسم عمومی عزاداری را رسمیت و مشروعیت بخشید. فرمان معزالدوله از چند جهت اهمیت دارد و از منظرهای مختلف قابل

تحلیل است. یکی از نگاه جامعه‌شناسی است. زیرا بسیاری از آداب و رسوم سوگواری، بعد از این فرمان مطرح شد و در فرهنگ سوگواری رسوخ کرده و جا افتاد. در خود فرمان معزالدوله هست که او امر کرد به بستن مغازه‌ها، تعطیلی کسب و کار و بازار، اظهار یا علنی کردن نوحه‌سرایی، لباس مشکی پوشیدن، جامه دریدن، به سر و صورت زدن، آشفته‌سازی گیسوان در زنان و سیاه کردن چهره توسط زنان. از هر کدام از این بندها، آداب و رسوم دیگری زاییده شد و مجموعه این رسوم اجتماعی، حجم بسیاری را تشکیل می‌دهد. این خط مشی در دوره جانشین معزالدوله یعنی عزالدوله هم تداوم یافت و نیز در دوره عضدالدوله جانشین عزالدوله هم ادامه پیدا کرد. کرومر در بین محققان جدید، بیش از دیگران به این خط مشی پرداخته و ابعاد آن را تحلیل کرده است. مستندات و مآخذ او کتاب‌های قدیمی تکمله از همدانی، المنتظم از ابن جوزی، البدایه والنهایه از ابن کثیر است. [۶]. عضدالدوله از امیران آل بویه، فرمان‌روایی مسلمان بود و اقدامات و رفتار او تأثیر زیادی در رواج سوگواری داشت. مطابق برخی تحقیقات، ظواهر نشانگر شیعه امامی بودن عضدالدوله است؛ زیرا او مرقد امام علی علیه السلام در نجف و بقعه‌ای بر مرقد امام حسین علیه السلام ساخت و به این طریق، محبت خود را نسبت به اهل بیت علیهم السلام ابراز کرد. از سوی دیگر عضدالدوله با آگاهی از تنش‌های بالقوه انفجار آمیز میان شیعیان و سنیان - که ده‌ها سال بود بغداد را دو پاره کرده بود - کوشید که اکثریت سنی را با خود همراه کند. با این همه، روشن نیست که او شیعه زیدی بود یا امامی؛ ولی قرائنی هست که حاکی از تعلق او به مذهب امامیه است. پس از مرگ هم او را در جوار مرقد امام علی علیه السلام در نجف به خاک سپردند. [۷]. مورخان معزالدوله را اولین کسی می‌دانند که به راه‌اندازی عزاداری به عنوان یک سنت رسمی و متداول اهتمام ورزید. مرثیه‌خوانی و عزاداری در دوره صفویه به عنوان یک نهاد، در جامعه ایرانی توسعه یافت. هر چند پیش از این دوره برای سوگواری مراسمی وجود داشت؛ ولی به دلایل مختلف، صفویان سوگواری بر ائمه‌علیهم السلام و بزرگان دین را تحکیم و توسعه

دادند. در این که آداب و رسوم سوگواری در دوره صفویه ارتقا و توسعه یافت، شکی نیست و چگونگی این رشد و توسعه و نیز آمیخته شدن آن به برخی آداب دیگر، جای بررسی فراوان دارد. شاهان صفوی بویژه شاه عباس به برپایی مراسم و اجرای رسوم اهمیت می دادند. از سوی دیگر، رشد فرهنگ قهوه‌خانه و بسط نوازندگی و آوازخوانی و موسیقی بی تأثیر بر آداب و رسوم اجتماعی سوگواری نبود. لذا در همین دوره مشاهده می شود که نوحه خوانی همراه با آلات موسیقی یا همراه با آواز برگزار می شده است. به همین دلیل گاه مراسم سوگواری با مناهی آلوده می شد و مخالفت فقیهان را برمی انگیخت. همچنان که در دوره کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. [۸]. به هر حال اهتمام دولت صفوی به جشن‌ها و اعیاد و آیین‌های اندوهناک موجب رشد و توسعه بعد اجتماعی فرهنگ سوگواری شد. ولی فضا و جو حاکم بر جامعه ایرانی در آن دوره، عناصر مذمومی را به درون فرهنگ سوگواری رسوخ داد. از میان رسم‌های مختلف در عهد صفوی برای برپا داشتن عزای اهل بیت علیهم السلام، برپایی مجلس‌های روضه‌خوانی و وعظ و تذکیر [۹] برای اولین بار مطرح شد. در مراسم عزاداری، نمادهایی مثل علم، بیرق، مشکی پوشی و ده‌ها گونه از این موارد وجود دارد که به شعائر حسینی معروف شده است. [۱۰] سمبل‌هایی مثل علم، گاه با نقدهای تند مواجه شده و آن را برگرفته از مسیحیت و صلیب عیسوی دانسته‌اند. اما هنوز پژوهش‌های دقیق و منسجم با روش‌های علمی درباره جوانب گوناگون جامعه‌شناسی این فرهنگ عرضه نشده است. در بین آیین‌های عزاداری، قمه‌زنی در دوره جدید بیش از دیگر موارد، توجهات را معطوف خود کرده است. مخالفان از جمله نیروهای دولتی، نیرو و انرژی‌های زیادی صرف جلوگیری کرده‌اند ولی هر سال شاهد رشد و توسعه آن هستیم. [۱۱]. ۱. در فصل پیش، به شکل‌گیری سوگواری در تاریخ شیعه پرداختیم و این فصل به تأثیر سوگواری در جامعه شیعه می‌پردازد. تأثیر اجتماعی سوگواری مورد بررسی و تحلیل بوده ولی کتاب‌ها و مقالات اندکی به روش علمی و با تکیه بر طرح عالمانه به این موضوع پرداخته‌اند.

اغلب پژوهشگرانی که از این زاویه به بررسی پرداخته‌اند، نقش قیام حسینی در مقولات سیاسی را مدّ نظر قرار داده‌اند. و کمتر بر مثلاً تأثیر این فرهنگ بر ایمان دینی مردم یا معنویت جوانان یا دین‌گرایی زنان پرداخته‌اند. قیام حسینی به اقرار فلاسفه و متفکران سیاست در طول تاریخ در جنبش‌ها و قیام‌ها مؤثر بوده است. عاشورا به اقرار پژوهشگران اجتماعی، در عدالت‌طلبی جوامع تأثیر گذاشته است. حادثه طف به زعم دانشمندان اخلاق در خلق و خوی مردم نسل‌های مختلف مؤثر بوده است. شعله حقانیت سیدالشهدا علیه السلام اول از دل همان‌ها که او را کشتند سر زد و خودشان متأثر شده، حتی گریه می‌کردند. در تاریخ طبری آمده است: هنگام شهادت امام حسین علیه السلام عمر بن سعد نزدیک آن حضرت آمد. زینب خواهر سیدالشهدا در خیمه‌اش ایستاده بود. به عمر بن سعد گفت: تو چه می‌کنی که ابو عبدالله را کشتند. اشک‌های عمر بر چهره‌اش جاری شد و صورت خود را برگرداند. در نفس المهموم از حمید بن مسلم نقل می‌کند: هنگامی که سپاهیان عمر بن سعد برای غارت خیمه‌های امام حسین علیه السلام ریختند. زنی از بکر بن وائل که با شوهرش در اصحاب عمر بن سعد بود، منقلب شد؛ شمشیری برداشت و به طرف خیمه‌ها دوید و فریاد زد: ای آل بکر بن وائل شما ایستاده‌اید که سرا پرده دختران پیغمبر را غارت کنید! حکم از آن خداست. کو کسانی که به خوانخواهی پیغمبر برخیزند؟ شوهرش او را گرفت و به چادر خودش برگرداند و در آن جا نگهش داشت؛ ولی شور عظیمی در لشکریان افتاد. طبری می‌نویسد: مردم به سنان بن انس گفتند: تو حسین بن علی پسر فاطمه دختر پیغمبر را کشته‌ای که از همه مسلمانان بزرگ‌تر است و آمده بود که مملکت را از اینها بگیرد. حال برو پیش امیران خود پاداش فراوان بگیر که اگر تمام خزانه‌های خودشان را در برابر این خدمت به تو بدهند، باز کم داده‌اند. سنان هم نزد عمر بن سعد رفت و گفت: تا رکاب من طلا و نقره بریز که من پادشاه بزرگی را کشته‌ام. کسی را کشتم که از حیث شخصیت پدر و مادر از همه مردم بزرگ‌تر و بهتر بود. ابن سعد گفت: ساکت شو؛ مگر دیوانه شده‌ای! آن‌گاه او را پیش خواند و با پشت

شمشیری که در دست داشت، محکم بر او زد و گفت: دیوانه، اگر پیش ابن زیاد این طور حرف بزنی، گردنت را می‌زند. [۱۲]. تأثیرات اجتماعی حادثه کربلا و تأثیر عمومی سوگواری در فرد و جامعه شیعی از مسائل مهم فرهنگ سوگواری است. کارآمدی فرهنگ، همواره مورد توجه مدافعان بوده است. کارآمدی فرهنگ سوگواری نیز باید مورد توجه نخبگان شیعه باشد؛ اولاً این کارآمدی را ارتقا بدهند و بالا ببرند؛ کار دوم این که عناصر مخل به کارآمدی را شناسایی و از گردونه فرهنگ حذف نمایند. در این صورت فرهنگ سوگواری از مؤثرترین و کارآمدترین فرهنگ‌ها خواهد شد.

بعد هنری فرهنگ سوگواری

یک جنبه فرهنگ سوگواری، بعد هنری آن است. هنرمندان از رشته‌های مختلف در این عرصه کوشیده‌اند. شاعران با سرودن اشعار پر احساس که تا بن قلوب شنوندگان نفوذ می‌کند، خدمت‌گذار این فرهنگ بوده‌اند. نوحه‌سرایان با صدای حزن‌آلود و پر از فنون و لطایف هنری مستمعان را با درد و غم کربلائیان آشنا ساخته‌اند. نقاشان با خلق تابلوها یا پرده‌های زیبای حادثه کربلا در روز عاشورا با ظرافت، زوایای این حادثه را به نمایش گذاشته‌اند. تعزیه خوانان که با استفاده از هنرورزی‌های حرفه‌ای نقش‌های علی اکبر علیه السلام، زینب علیها السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر جان‌باختگان عاشورا را بازی کرده‌اند. همه این هنرورزی‌ها و خلاقیت‌ها تکمیل‌کننده بعد هنری فرهنگ سوگواری است. هنر سوگواری گستره‌ای وسیع دارد و تقریباً همه انواع هنرهای مهم در عرصه عزاداری به کار گرفته شده است تا عمق مظلومیت خاندان اهل بیت علیهم السلام بویژه امام حسین علیه السلام و نیز لطافت معنوی آن بزرگواران را نشان دهد. آرایه‌های لفظی که جزء هنر بیانی است، در نثر و شعر عزاداری به کار گرفته شده است. فنون تئاتر و صحنه‌پردازی در تعزیه هست و تجارب نقاشی در پرده‌ها و عکس‌های صحنه‌های غم‌بار مثلاً عاشورا تجلی یافته است. ۱. نسبت به بخش‌های فرهنگ سوگواری مثل تعزیه،

مجالس روضه‌خوانی متداول‌تر است. خود این مجالس از رسوم اجتماعی است که در سده‌های اول اسلامی شکل گرفت و در شمار بُعد اجتماعی فرهنگ سوگواری است. ولی در این مجالس، کارهایی انجام می‌پذیرد که به نوعی هنری است. روضه‌خوانان با استفاده از فنّ خطابه و به کار گرفتن هنرورزی‌های خطابی، مخاطبان را با حادثه کربلا آشنا می‌سازند. مجالس‌های روضه‌خوانی که از دوره صفویه رواج یافت و در شمار مراسم مکرر شیعیان در آمده، نام خود را از کتاب معروف کمال الدین حسین بن علی کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ ق) روضه الشهداء گرفته است که به سال ۹۰۸ ق، یک سال بعد از اعلام پادشاهی اسماعیل پسر سلطان حیدر صفوی در تبریز، نوشته شد. این کتاب فارسی، در ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام و واقعه کربلاست، و رسم بر آن بود که روضه‌خوان - یعنی خواننده همین کتاب، آن را در مجلسی که عزاداران واقعه کربلا فراهم می‌آوردند - می‌خواند و دیگران می‌شنیدند و می‌گریستند. پس این گونه محفل‌ها را مجلس روضه‌خوانی نام نهادند. کتاب روضه الشهداء به سبب شهرتی که یافت دو بار به ترکی ترجمه شد، یک بار به دست فضولی بغدادی (۹۷۰ ق) و بار دیگر به همت جامی قیصری.

[۱۳] پیداست که روضه‌خوانان اندک اندک از مرحله خواندن یا از بر خواندن کتاب یاد شده پیش‌تر رفته و به اختلاف طبقات از کتاب‌ها و دانسته‌های دیگر مذهبی بهره‌بر گرفتند و مجالس‌ها را به سخنان تازه و به شعرهای مناسب مقام آراستند. گذشته از این، در همین مجالس‌ها هم اشعاری که از قدیم به همت شاعران شیعی مذهب در منقبت یا مصیبت اهل بیت علیهم السلام سروده شده بود، توسط منقبت‌خوانان یا مدح‌گویان یا مصیبت‌خوانان، با لحن تأثر انگیزی خوانده می‌شد و مردم بر آن خوانده‌ها و سروده‌های حزن‌آور می‌گریستند. این رسم هنوز در ایران متداول است. در این مجالس‌های عزای اهل بیت علیهم السلام و شهیدان کربلا از روزگاران پیشین، چنین معمول بود که یکی می‌گفت و دیگران می‌گریستند و هر دو کار خود، یعنی گریاندن و گریستن را وسیله‌ای قاطع برای کسب درجات بلند اخروی می‌شمردند و هنوز نیز چنین است. در قصیده‌ای

از سیف الدین محمد فرغانی شاعر بلند پایه قرن هفتم و هشتم قمری این بیت زیرین گویای همین نکته است: در گریه سخن نکو نیاید من می گویم شما بگریید تشکیل مجلس های مذهبی دیگری از دوران صفوی در ایران معمول شد که شیعیان در آن حضور می یافتند و به همراه یکی از روحانیان دعا می خواندند و از کتاب های متعدد ادعیه و اذکار استفاده می کردند. این مجلس ها در لیالی متبرکه بویژه در شب های احیا در ماه رمضان تشکیل می شد. کسی که در اشاعه این رسم در عهد صفوی بسیار کوشید، محقق ثانی علی بن حسین عبدالعالی گُرکی معاصر شاه تهماسب است. عالمان سنی، او را مخترع مذهب شیعه لقب دادند؛ زیرا بسیاری از سنت ها را به دعوی آن که نایب امام علیه السلام است، گذارد. از آن جمله در اقامت جمعات و جماعات سعی بسیار به کار برد و شیوه ای که او در این راه داشت تا پایان عهد صفوی، جاری بود و آخرین کس از عالمان دین آن دوره که در این باب بسیار می کوشید ملا محمد باقر مجلسی (م ۱۱۰ ق) معاصر شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بود. وی در ایام و لیالی سوگواری هزاران تن را به عبادات و احیا و عزاداری گرد می آورد و به خواندن دعا مشغول می شدند. [۱۴]. بدین سان مجالس روضه خوانی و محافل سوگواری در دوره صفویه کامل تر شد و هم از نظر علمی و هم اجتماعی تکمیل گردید. البته در دوره قاجاریه و بعداً جمهوری اسلامی روند تکامل با شتاب بیشتری طی شد. «مجالس روضه خوانی» یا «جلسات سوگواری» پدیده ای است که خود، ابعاد مختلف دارد و از منظر جامعه شناسی نهادی با آیین ها و آداب گوناگون است. از این نظر، جامعه شناسان باید به بررسی آن پردازند. از نظر خود مکان تکیه یا حسینیه و ظرافت هایی که دارد، مربوط به هنر معماری هنرهای اسلیمی است. اما این مجالس از حیث خطابه و قرائت نثرهای ادیبانه هم، مشحون از آرایه ها و زیبایی های هنری است. به همین دلیل، اغلب کتاب های مقتل از متون ادبی محسوب می شود. ۲. اگر بعد هنری و ادبی را از عزاداری حذف کنیم، رمقی برای این فرهنگ باقی نخواهد ماند. آنچه موجب پویایی، بسط و تداوم این فرهنگ شده، مجهز بوده آن به انواع آرایه های ادیبانه

است. منابع مکتوب عزاداری، به صورت شعر یا نظم است و آنها را مرثیه یا نوحه نامیده‌اند. مرثیه، نوعی ادبیات منظوم و شعر است که برای بیان مصائب و ناراحتی‌ها به کار می‌رود. حکمت و اندرز، مدح، غزل و حکایت و قصیده، گونه‌های دیگر شعر است. چند بحث در مرثیه هست؛ یکی تاریخ آن و دوم انواع آن است. برای اشعار و منابع شعری درباره امام حسین علیه السلام و عزاداری را در دو بخش ادبیات عرب و ادبیات فارسی پی می‌گیریم. شاعران با استفاده از ظرایف شعری و صفت‌ها و فنون هنر شعر توانسته‌اند در عزاداری حال و هوای معنوی و احساسی بدمند و تأثیر آن را مضاعف ساخته؛ و ماندگاری آن را ابدی سازند. نیز متصدیان عزاداری بسیار راغب‌اند که از نوحه و مرثیه استفاده کنند و مجالس خود را گرم سازند. به هر حال مرثیه و نوحه با عزاداری لازم و ملزوم شده‌اند. این وضع از قدیم تا امروز وجود داشته و دارد و صدها عنوان کتاب در این زمینه تألیف و عرضه شده است. این آثار دو گونه‌اند: یکی دیوان‌های شعری و دوم تحلیل‌های درباره. نیز از نظر زبان هم قابل تقسیم‌اند. پس از شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، شاعرانی عرب در سوگواری آن بزرگواران از قرن اول قمری سروده‌هایی عرضه کرده‌اند. فرزدق، کمیت، دعبل، ابوتماح، سید حمیری و مهیار دیلمی، سید رضی و ابوتمام از جمله کسانی بودند که شعر سوگوارانه را گسترش دادند. مثلاً ابو الاسود (م ۶۹ق) که از دوستان امام علی علیه السلام و فرزند او بود. سید حسن صدر یافعی در مرآت الجنان نقل می‌کند که: ابوالاسود، از بزرگان و اعیان تابعین و جزء یاران امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود و در نبرد صفین شرکت کرد. وی از کامل‌ترین و زبده‌ترین یاران امام بود. در رأی و خرد مشهور و نخستین کسی است که به راهنمایی امام علیه السلام، علم نحو را تدوین کرد. [۱۵]. نویسندگان در کتاب‌ها و مقالات مختلف به گزارش مرثیه پرداخته‌اند. این آثار متنوع‌اند و برخی مستقلاً به مرثیه پرداخته و برخی در لابه لای مباحث به مرثیه هم پرداخته‌اند. مثل: ادبیات انقلاب در شیعه از صادق آیینه‌وند؛ دیوان ابوالاسود. ۳. نثر و شعر فارسی در عرصه سوگواری قابل توجه

است؛ از قرن هفتم و هشتم اشعاری سروده شد که مملو از آرایه‌های هنری و ظرافت‌های جذاب بود. در میان شاعران عده‌ای، مرثیه‌ها و نوحه‌هایی را متداول کردند که با خواندن آنها در مجالس، دل‌ها را محزون می‌ساخت. در بین سراینده‌گان مسلمان این موضوع بیشتر مقصور به ذکر مناقب اهل بیت و یا مرثیاتی آنان بود. نام عده‌ای از شاعران این عهد اعم از سنی یا شیعه که دارای مرثیاتی برای اهل بیت علیهم السلام اند، این گونه است: سیف الدین محمد فرغانی که سنی حنفی بود؛ ولی در دیوان او قصیده مؤثری است درباره واقعه کربلا و دعوت خلق به ندبه و گریه و عزاداری «کشته کربلا» و «فرزند رسول» و «گوهر مرتضی» و او مدعی است که گریه در این ماتم، مایه «نزول غیث رحمت» و زدودن غبار «کدورت» از دل‌هاست. به هر حال از شاعرانی که در ذکر مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و یا در رثای آنان، اشعاری سروده‌اند. در این دوره کسانی مانند امامی هروی، فخرالدین عراقی، سیف الدین فرغانی، سلمان ساوجی، خواجه کرمانی، سعید هروی، ابن نصوح، حسن متکلم، حسن کاشی، معین جوینی، که در ضمن آثار آنان قصایدی در ذکر مناقب یا مرثیاتی اهل بیت علیهم السلام دیده می‌شود. مولانا سیف الدین ابو الحامد محمد الفرغانی از شاعران استاد در قرن هفتم و هشتم قمری است که با مرتبه بلند خود در شعر به سبب انقطاع از عالم و گوشه‌گیری از دنیا و امتناع از مدح امرای ظالم و فاسد زمان در یکی از خانقاه‌های شهر کوچک «آقسرا» به گمنامی در گذشت. و در عین حال او در زمره قدیمی‌ترین سخنورانی است که در مرثیه شهیدان کربلا شعر گفته و خلق را به اقامه مراسم تعزیه «کشته کربلا» و «گوهر مرتضی» و «فرزند رسول»، و زاری و ندبه «در این عزا» دعوت کرده است. نمونه‌هایی از منابع در فارسی که به مرثیه می‌پردازند، عبارت‌اند از: سیری در مرثیه عاشورایی؛ در عزایت آسمان نیلی قباست، نوشته مهدی الماسی؛ غوغای ملکوت، گردآوری محسن حافظی؛ مرثیه دلتنگی، نوشته محمد مهدی بهداروند؛ مرثیه عاشورا از حسین جلالی. ۴. عزاداری به مثابه یک فرهنگ دارای ابعاد کتبی و نوشتاری، شفاهی و بالاخره نمایشی است. منظور از عزاداری نمایشی، بیان

مصائب اهل بیت علیهم السلام با زبان هنر و به صحنه درآوردن آنها است. دومین جنبه تعزیه، تأثیر روی مخاطبان است. همان گونه که روضه خوان با کلام، مخاطبان را تحت تأثیر قرار می دهد و به آنها آگاهی و در عین حال احساسات می بخشد. تعزیه گردان هم می خواهد به مخاطبان بفهماند چه حوادثی روی داده است و مخاطبان را محزون و سوگوار سازد. به دلیل ظرفیت های زیباشناسی در شبیه خوانی تأثیر آن هم زیاد ارزیابی شده است. [۱۶]. بنابراین تعزیه یک بخش مهم از هنر سوگواری است. و این که عزاداری نمایشی تا چه حد مؤثر بوده است، هنوز بررسی جدی نشده است. [۱۷]. نمایش و نمایش نامه نویسی، به مفهوم اروپایی آن، در ایران سابقه نداشت و از مدت ها پیش، فن نمایش منحصر به شبیه خوانی، یا به اصطلاح عامه تعزیه خوانی، عبارت از مجسم کردن و نمایش دادن شهادت جانسوز امام حسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار یا یکی از حوادث مربوط به واقعه کربلا بود. این تراژدی های مذهبی، شباهت فراوانی به نمایش های دینی [۱۸] یا اخلاقی [۱۹] داشت که در قرون وسطی در اروپا نمایش داده می شد. تعزیه و شبیه خوانی ظاهراً در ایران ریشه قدیمی تری دارد. دیلمیان، که از پادشاهان ایران و شیعی مذهب بودند، مظالم خلفا و داستان جانگداز کربلا را به صورت شبیه، مجسم می ساختند. اما این نمایش ها صامت بود و افراد نمایش با لباس مناسب سواره و پیاده خودنمایی می کردند تا آن که بعدها تعزیه خوانی همراه شعر و آواز، که در واقع یک نوع ملودرام [۲۰] بود، متداول گردید. شبیه خوانی ناطق ظاهراً در دوره ناصرالدین شاه در ایران معمول شد، یا اگر قبلاً چیزی از آن قبیل بود، در دوره سلطنت ناصرالدین شاه رونقی به سزا یافت و شبیه خوان های زبردستی مانند ملا حسین اخوان، جهانگیر مسلم خوان پیدا شدند. دلایل و عوامل مختلف موجب شده که تعزیه به عنوان یک هنر ایرانی و شیعی توجّهات بسیاری از محققان داخلی و خارجی را مجذوب خود کند. از این رو، بیش از یکصد عنوان اثر پژوهشی آکادمیک به زبان های اروپایی هم اکنون در دست است. و کتاب هایی مثل تعزیه بومی ایران از چلکووسکی از منابع مرجع در این زمینه است. ابعاد

مختلف تعزیه مثل متون تعزیه‌نامه‌ها، [۲۱] فنون تئاتر در تعزیه، [۲۲]. حتی وقف [۲۳] ابزار و ادوات تعزیه مورد پژوهش‌های مهمی قرار گرفته است. ۵. هنر سوگواری در بیان، در نمایش، در موسیقی، در نمادهای پارچه‌ای و فلزی تبلور دارد. اما یک جنبه دیگر از هنر سوگواری، ظرافت‌های هنری موجود در مکان‌های عزاداری مثل تکایا، حسینیه‌ها و مساجد است. این مکان‌ها از حیث این که نهادهایی برای سوگواری‌اند، در جامعه‌شناسی عزاداری بررسی شده است. [۲۴] ولی از نظر این که هنرمندان روی در و دیوار، گنبد و گل‌دسته این جاها کار کرده‌اند، یک مقوله هنری محسوب می‌شوند. اما به راه انداختن دسته‌های عزاداری - که در حال عبور از گذرگاه‌ها نوحه‌خوانی می‌کنند و خود را می‌زنند و یا گاه بر اثر جوشش و غلیان احساسات، به خود آسیب می‌رسانند. از دوران غلبه آل بویه بر بغداد آغاز شد و به تدریج در دوره‌های بعد از آن، توسعه پذیرفت و در عهد صفوی با مبالغه بسیار و تشریفاتی که هنوز هم در بعضی شهرستان‌های ایران باقی است، همراه گشت. این دسته‌ها از نظر این که مراسم‌اند و آداب و رسوم و نمادهای ویژه دارند جزء بُعد اجتماعی فرهنگ سوگواری‌اند. اما از نظر این که نوحه‌خوانان، مرثیه‌سرایان، طبال‌ها و نوازندگان در آن هنرنمایی می‌کنند، در بخش هنر بررسی می‌شود. اغلب علم‌هایی که در پیش دسته‌ها حمل می‌شود، دارای ظرافت‌های هنری فراوانی است و هنرمندان مستظرفه از رشته‌های مختلف روی آنها کار کرده‌اند. پایانیان بخش این مقاله، تأکید بر ضرورت سامان دادن به فرهنگ سوگواری، به عنوان پیش زمینه رفع مشکلات و نابسامانی‌ها در این حوزه است. به عبارت دیگر، فرهنگ سوگواری مجموعه‌ای از مآخذ علمی، باورها و آداب و رسوم است و تنها با اصلاح آنها، مراسم عزاداری و روضه‌خوانی‌ها اصلاح خواهد شد. حرکت‌های اصلاحی در عرصه سوگواری همواره با ناکامی مواجه بوده است؛ علت مهم آن، نپرداختن به سوگواری به عنوان یک فرهنگ است. تنها با کلی‌نگری و طرح مسائل در فضای باز این فرهنگ است که مشکلات هویدا می‌شود. آن گاه با بررسی روابط و پیوندهای شبکه‌ای می‌توان به

کارشناسی‌های دقیقی رسید. فرهیختگان شیعه باید از این منبع فیض یعنی فرهنگ سوگواری به خوبی بهره گیرند. شاید هیچ ملتی در جهان از چنین امکانی بهره‌مند نباشد. این امکان به گونه‌ای است که جامعه شیعه را یک پارچه حرکت می‌دهد، و موجب وحدت ملی، شور و حرکت، معنویت و ایمان می‌گردد. در مقابل اگر این فرهنگ از درون، تهی و تحریف گردد، آن‌گاه پیام‌های آن تأثیر منفی خواهد داشت و موجب ذلت و تخدیر جامعه شیعه می‌گردد. به همین دلیل وظیفه دلسوزان شیعه سنگین است که نگذارند کسانی مغرضانه یا ناآگاهانه به تحریف عاشورا دست یازند.

پاورقی

[۱] غیر از کتاب‌هایی که در مصیبت امام حسین علیه السلام نوشته شده، آثار فراوانی در مصائب و شهادت حضرت زینب علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام و حتی زید بن علی علیه السلام تألیف شده است.

[۲] ریشه‌های فکری ایرانیان در فرهنگ سوگواری حتی توجه خاورشناسان و جهانگردان غربی را به خود جلب کرده است. برای نمونه در سفرنامه تاورینه (ج ۴، ص ۴۱۶ - ۴۱۰) این مطلب به چشم می‌خورد. در گزارش هنریش آلمانی نیز هست (ص ۲۲۸ - ۲۱۷). او عزاداری در ایران در دوره ناصری را با توجه به ریشه‌های تاریخی آن گزارش می‌دهد. آقای رسول جعفریان در مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی» گزارش‌های جهانگردان خارجی‌ها را بررسی کرده است.

[۳] لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۸۵۷ - ۱۵۸۵۵.

[۴] مورخان برداشت‌های مختلفی از حادثه کربلا عرضه کرده‌اند. نیز این که آیا همه این قرائت‌ها صحیح است و هر کدام گوشه‌ای از حقیقت را نشان می‌دهد یا همه باطل و یک برداشت صحیح است، اختلاف است. گاه برخی برداشت‌ها با نقدهای تندی مواجه شده

است مثل مقاله آقای حضرتی در نقد دیدگاه ابن خلدون. این برداشت‌ها در مجموع گویای شکل‌گیری و تحولات فرهنگ عاشورا و فرهنگ سوگواری‌اند.

[۵] الکامل، ابن اثیر، ج ۸، ص ۵۴۹.

[۶] احیای فرهنگی در عهد آل بویه، کرومر، ص ۳۷۹.

[۷] همان، ص ۸۱ - ۸۰ و ۳۷۹ - ۳۷۸.

[۸] نگاه کنید به جامع الشتات از محمد باقر رشاد، ص ۸۰ - ۴؛ نیز حسین رجبی در کتاب پاسخ به شبهات دیدگاه‌های مختلف درباره هر کدام از موضوعات سوگواری را بررسی کرده است. مهم‌ترین کتاب آقای ربانی خلخالی است که جامع نظرات و فتاویٰ فقهی است.

[۹] خود مجالس و محفل‌های سوگواری مشتمل بر سنت‌ها و آداب و رسوم فراوانی است که هر کدام بررسی دامنه‌داری را می‌طلبد. برخی از این بررسی‌ها توسط آقای معتمدی در کتاب عزاداری در بیوت علما انجام یافته است. [۱۰] ذکاوتی قراگزلو در مقاله پیشینه‌شناسی آیین‌ها و شعائری مثل گل مالیدن بر بدن، کَشکول سقایی، زنجیرزنی، سینه‌زنی و قمه‌زنی و مواردی از این قبیل را توضیح داده است.

[۱۱] هنوز پژوهش جدی درباره ابعاد قمه‌زنی ارائه نشده است. مثلاً آمار و تحلیل آماری عرضه نشده؛ مثلاً تحقیق میدانی انجام نشده است. البته در کتاب‌ها یا مقالاتی بر برخی پیامدهای اجتماعی یا انعکاس‌های خارجی یا احکام فقهی آن پرداخته‌اند ولی کافی نیست. به هر حال قمه‌زنی یکی از مسائل مهم در فرهنگ عمومی ایرانیان معاصر است و ابعاد پیچیده فراوانی دارد. از باب نمونه آقای ذکاوتی در مقاله «پیشینه‌شناسی» بر قمه‌زنی پرداخته است.

[۱۲] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۷۰ - ۶۰؛ سخنرانی‌های راشد، ج ۲، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

[۱۳] پس از روضه الشهداء، عالمان بسیاری به تألیف کتاب در این زمینه پرداختند.

- جمع آوری اطلاعات این گونه آثار، موجب پیدایش فهرست‌واره قطوری خواهد شد. مثلاً
 مواعظ شوشتری شامل سخنرانی‌های آیت الله شوشتری، چاپ شده است.
 [۱۴] تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵، ص ۸۹ - ۸۳
 [۱۵] تأسیس الشیعۀ لعلوم الاسلام، ص ۴۴.
 [۱۶] ر. ک: نگرشی بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی هنر شبیه‌خوانی.
 [۱۷] بعضی از پژوهشگران در کارآمدی برخی تعزیه‌ها تشکیک کرده‌اند و آنها را
 مخرب دانسته‌اند. ر. ک: نگرش نقد گونه بر تعزیه؛ کند و کاوی در نسخه‌های تعزیه.
 [۱۸] Mystery
 [۱۹] Morality
 [۲۰] Melodrama
 [۲۱] تعزیه حر در کتاب تعزیه حر بن یزید ریاحی.
 [۲۲] مثل کتاب تئاتر ایرانی از فرخ غفاری؛ و کتاب تعزیه از صادق همایونی
 سودمندی‌های زیادی دارد.
 [۲۳] ر. ک: به مقاله وقف و سوگواری از آقای عنصری.
 [۲۴] امکان سوگواری در تاریخ تحولاتی داشته است. به هر حال جنبه تاریخی این اماکن
 در کتاب‌هایی مثل تاریخ تکایا از مهدی عباسی بررسی شده است.